

ترکیه و گرداب دگرگونیهای عراق

انیس پور خسروانی*

رسید. این کشور در ۲۰۰۳ مورد هجوم آمریکا و همپیمانان آن قرار گرفت. تنها نقطه مثبت در این اشغال، فروپاشی رژیم صدام حسین، دیکتاتور عراق بود. این اشغال نه تنها موجب رخت برستن امنیت و آرامش از زندگی عراقیان شد، که حتی کشورهای همسایه عراق را نیز با بحرانیهای تازه روبه رو ساخت.

این نوشتار با طرح این پرسش آغاز می شود که دگرگونیهای عراق چه پیامدهایی برای ترکیه بعنوان کشور همسایه عراق داشته است.

برای پاسخ دادن به این پرسش لازم است به چند پرسش فرعی زیر پاسخ داده شود:

۱) موضع ترکیه بعنوان کشور همسایه عراق و عضو پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در قبال اشغال عراق چه بوده است؟

۲) بحران عراق چه اثری بر امنیت ترکیه داشته است؟

۳) بحران عراق چه اثری بر روابط ترکیه و آمریکا

پس از ۱۱ سپتامبر، مفهوم امنیت ملی در دیدگاه سیاستمداران آمریکایی یکسره دگرگون شد. آمریکا برای جلوگیری از خطرهای حمله های احتمالی در آینده نیازمند راهکارهای تازه بود. لیبرالهای راست نوبه رهبری بوش بر پایه نظریه هابز (شناخت آزادیهای انسان و خطرهایی که این آزادیها را تهدید می کند و پیشگیری از خطرها) به این باور رسیدند که برای داشتن امنیت باید به رویارویی با تروریسم پرداخت و بدین سان ستیز با این پدیده از هدفهای برجسته در سیاست خارجی آمریکا شد. «راست نوبه این باور رسید که ریشه خطرها در خاور میانه است و برای رویارویی با تروریسم باید پیش از شروع هر حمله ای با گروههای مبارز و مسلح مخالف آمریکا و دولتهای پشتیبان آنها وارد جنگ شد و آنها را به زانو در آورد. این تئوری که به نام تئوری پیشگیرانه معروف شد سرلوحه برنامه های سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت». «نخستین قربانی این سیاست پیشگیرانه افغانستان بود و پس از افغانستان نوبت به عراق

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سیرجان

داشته است؟

موضع ترکیه در قبال اشغال عراق:

ترکیه کشوری است آسیایی با رویکردهای غربگرایانه. این کشور نقطه تلاقی دو قاره مهم جهان یعنی آسیا و اروپا به شمار می‌آید. گرچه بخش کوچکی از ترکیه در اروپا قرار دارد، ولی این کشور از همان نخستین روزهای پس از استقلال خواهان پیوستن به جرگه کشورهای غربی و سپس اتحادیه اروپا بوده و برای رسیدن به این هدف تلاشهای بسیار کرده و راهی ناهموار پیموده است؛ هر چند هنوز نتوانسته رضایت کشورهای غربی را برای عضویت خود در اتحادیه اروپا به دست آورد. پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا تبدیل به یک رؤیا و آرمان برای بیشتر ترکها شده است به گونه‌ای که هم سیاستمداران و هم شهروندان عادی برای رسیدن به این هدف تاکنون سختیهای بسیار به جان خریده‌اند. این کشور برای رسیدن به آرزوی دیرینه خود، به سفارش سران کشورهای عضو اتحادیه پذیرفته است که دست به اصلاحات اقتصادی و سیاسی گسترده در درون مرزهایش بزند.

از سوی دیگر، ترکیه عضو مهم ناتو در خاورمیانه است که در ۱۹۵۲ به عضویت آن سازمان در آمده است. عضویت در این سازمان، از عوامل اساسی تعیین کننده سیاست خارجی و امنیتی ترکیه است. در پی پیشرفت‌های این سازمان پس از جنگ سرد، استراتژی ترکیه ابعاد مهمی بویژه از جهت همسایگی جغرافیایی با چند منطقه حساس پیدا کرد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن قدرت رقیب غرب، راه را برای نفوذ ناتو در خاورمیانه هموار کرد. ترکیه نیز بعنوان عضو ناتو سیاستهای تازه‌ای در پیش گرفت. ترکیه پس از پایان جنگ سرد کوشیده است با بهره‌گیری از امتیاز عضویت در ناتو، نقشی برجسته‌تر در سیاستهای منطقه‌ای بازی کند. در راستای همین هدف، ترکیه بعنوان یک کشور خاورمیانه‌ای تلاش کرده است تنشها در روابط خود با همسایگانش را کاهش دهد و دیپلماسی فعالتری برای از میان بردن درگیریهای منطقه‌ای به کار گیرد.

بسیاری از ناظران برآنند که ترکیه در حال تبدیل

شدن به الگویی برای کشورهای مسلمان خاورمیانه است که اصلاحات و مدرنیزه کردن خود را در دستور کار دارند. البته باید گفت که این سیاست کشورهای غربی است که همه‌جانبه از ترکیه پشتیبانی می‌کنند. آنها می‌خواهند ترکیه لائیک را بعنوان الگویی برای کشورهای در حال توسعه در حوزه خلیج فارس و جمهوری‌های نوپا در آسیای مرکزی و قفقاز معرفی کنند.

اگر ترکیه عضویت اتحادیه اروپا را به دست آورد، می‌تواند تبدیل به کاتالیزوری برای انتقال تجارب اروپایی‌ها در زمینه دموکراسی، توسعه اقتصادی و صلح از اروپا به خاورمیانه گردد.

ترکیه برای اینکه بتواند راه اصلاحات و توسعه را بیاماید و عضویت اتحادیه اروپا را به دست آورد نیاز به فضایی آکنده از آرامش و امنیت چه در داخل و چه در مرزهای خارجی خود دارد و از همین رو می‌کوشد تصویر یک مبلغ صلح در منطقه از خود ترسیم کند و برای رسیدن به این هدف سیاستهایش را نسبت به بسیاری از مباحث و مشکلات منطقه‌ای تغییر داده است. نوع رابطه ترکیه با اسرائیل، با توجه به اقدامات تل‌آویو در سرزمینهای اشغالی، این گمان را پیش

○ بسیاری از ناظران برآنند که ترکیه در حال تبدیل شدن به الگویی برای کشورهای مسلمان خاورمیانه است که اصلاحات و مدرنیزه کردن خود را در دستور کار دارند. البته باید گفت که این سیاست کشورهای غربی است که همه‌جانبه از ترکیه پشتیبانی می‌کنند. آنها می‌خواهند ترکیه لائیک را بعنوان الگویی برای کشورهای در حال توسعه در حوزه خلیج فارس و جمهوری‌های نوپا در آسیای مرکزی و قفقاز معرفی کنند.

پیوستن به اتحادیه اروپا از بین می‌رفت.
 (ج) همراهی ترکیه با آمریکا و جهه‌ی خوبی برای
 ترکیه در میان کشورهای منطقه نداشت.
 (د) از نظر اقتصادی نیز اشغال عراق تبعات ناگواری
 برای ترکیه به همراه داشت. چرا که ترکیه بعد از سوریه
 دومین کشور طرف اقتصادی عراق محسوب می‌شد
 بخصوص اینکه رابطه تجاری گسترده‌ای با کردهای
 عراق داشت و از این راه سود زیادی عاید ترکیه می‌شد.
 با اشغال عراق این رابطه اقتصادی دچار بحران
 می‌شد.^۲)

ترکیه پس از اشغال عراق نیز چه بعنوان یک کشور
 منطقه‌ای و چه کشوری که خواهان صلح و آرامش در
 منطقه است سخت نگران تحولات و آینده عراق بوده
 است. گرچه بیشترین نگرانی ترکیه، پاره پاره شدن
 عراق و سر آوردن یک حکومت مستقل کرد در کنار
 مرزهای جنوبی خود با مردمانی دارای اشتراکات قومی،
 نژادی و زبانی و تاریخی با کردهای ترکیه بوده است، ولی
 نگرانی دیگری نیز برای دولت ترکیه وجود داشت که
 سبب شد با آمریکاییها برای حمله به عراق همداستان
 نشود و آن مسائل اقتصادی بود زیرا ترکیه نگران بود که
 با اشغال شدن عراق، ترکیه منافع بازرگانی خود در آن
 کشور را از دست بدهد. به هر رو، ترکیه پس از اشغال
 عراق نیز تلاش بسیار کرده است تا در پرتو همکاری و
 بسیج منطقه‌ای زمینه ثبات در عراق را فراهم آورد. در
 پی این هدف، ترکیه با کشورهای همسایه عراق از جمله
 ایران و سوریه برای بررسی آینده عراق و مسائل منطقه
 به گفت‌وگو نشست.

ناگفته نماند که همه تلاشهای ترکیه برای ایجاد
 آرامش در عراق و جلوگیری از پاره پاره شدن آن کشور،
 از مسائل امنیتی خودش مایه می‌گیرد.

در این باره که بحران عراق چه آثاری بر امنیت ترکیه
 دارد، باید گفت که با همه تلاشهایی که ترکیه انجام داده
 است تا بتواند چهره فعالتری نسبت به گذشته در منطقه
 از خود نشان دهد و خود را بعنوان هوادار صلح و امنیت
 مطرح سازد، این کشور در خاور میانه با موانعی روبه‌رو
 است که سیاستهای آن کشور را به چالش می‌کشد. یکی
 از آنها، مسئله کردهای ترکیه است که همکاری نزدیک

○ با همه تلاشهایی که ترکیه انجام داده
 است تا بتواند چهره فعالتری نسبت به گذشته
 در منطقه از خود نشان دهد و خود را بعنوان
 هوادار صلح و امنیت مطرح سازد، این کشور
 در خاور میانه با موانعی روبه‌رو است که
 سیاستهای آن کشور را به چالش می‌کشد.
 یکی از آنها، مسئله کردهای ترکیه است که
 همکاری نزدیک آنها با گروه پ.ک.ک (حزب
 کارگران کردستان) عراق موجب نگرانی
 دولتمردان ترکیه شده است.

می‌آورد که ترکیه می‌خواهد در درگیریهای فلسطین و
 اسرائیل نقش میانجیگر را بازی کند. همچنین این
 کشور اعلام آمادگی کرده است که در گفت‌وگوهای
 احتمالی میان اسرائیل و سوریه، بعنوان طرف سوم
 نقشی فعال در تسهیل روند این گفت‌وگوها داشته باشد.

در باره موضوع گیری ترکیه در برابر مسئله اشغال
 عراق باید گفت که: ترکیه بعنوان همسایه عراق نسبت به
 تحولات در آن کشور سخت واکنش نشان داده است.
 ترکیه در مورد اشغال عراق کوشید به مسائل مورد نظر
 آمریکا از یک سو و مسائل مورد نظر کشورهای اسلامی
 از سوی دیگر توجه نشان دهد؛ از همین رو در زمینه
 اشغال عراق با نیروهای آمریکایی همکاری نکرد و
 آشکارا به مخالفت با جنگ برخاست. «ترکیه برای این
 کار خود یعنی همراهی نکردن با آمریکا در جنگ و
 مخالفت با جنگ علیه عراق دلایل خاصی داشته است:

الف) با حمله به عراق و بی‌ثباتی در این کشور زمینه
 برای تشکیل دولت کردستان به خواست کردهای عراق
 فراهم می‌گردد و خواه ناخواه بر کردهای ترکیه نیز
 تاثیر می‌گذشت و ارمغان این جنگ برای ترکیه نامنی
 بود.

ب) با اشغال عراق آرامش مورد نیاز ترکیه برای

مناسبات تجاری و اقتصادی با ترکیه وابسته است. افزایش نفوذ اعضای مسلح حزب کارگران کردستان از شمال عراق به ترکیه و عملیات خونین آنان در داخل خاک ترکیه که منجر به کشته و زخمی شدن قریب ۱۰۰ تن از نظامیان و غیرنظامیان این کشور گردید موجب تحریک احساسات ملی گرایی و تظاهرات شدید در سراسر ترکیه شده و فشار سیاسی سنگینی را روی دولت آنکارا ایجاد کرده است. حتی شرکت‌های خصوصی ترکیه نیز آمادگی خود را برای اعمال تحریم و فشار اعلام کرده‌اند.

دلیل دیگر اینکه آنکارا بر اهرم فشار و تحریم اقتصادی بیشتر تکیه می‌کند این است که کردها در شمال عراق به رغم چالش‌هایی که با دولت ترکیه دارند، در اجرای بسیاری از طرح‌های ساختمانی خود شرکت‌های ترکیه را ترجیح می‌دهند. دلیل آن هم این است که شرکت‌های ترکیه سابقه فعالیت طولانی در عراق بویژه در کارهای سخت دارند و به رغم مشکلات

آنها با گروه پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان) عراق موجب نگرانی دولتمردان ترکیه شده است. دولت ترکیه برای اداره کشور بویژه در مناطق کردنشین با دشواری‌های بسیار روبه‌رو است. با وجود توجه ویژه‌ای که دولتمردان ترکیه در چند سال اخیر به بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در مناطق کردنشین در شرق ترکیه کرده‌اند و اجرای طرح‌های بزرگ عمرانی برای دگرگون کردن چهره استان‌های کردنشین و همچنین اصلاحاتی که در قانون اساسی این کشور شده است، دولتمردان این کشور نتوانسته‌اند با مسئله کردها کنار بیایند و خوش‌بینانه رفتار کنند.

با اشغال عراق و بحرانهایی که پس از آن در عراق پیش آمد، مسئله کردهای ترکیه بسیار حساس شد چرا که آنها با اثرپذیری از عملکرد گروه پ.ک.ک عراق، سر به نافرمانی و آشوب برداشته‌اند و امنیت بخش‌های کردنشین ترکیه و مرزهای این کشور با عراق سخت به خطر افتاده است. ترکیه فعالیت گروه پ.ک.ک را مایه ناامنی مرزهای خود می‌داند و در پی حملات خونین گروه پ.ک.ک، دست به تحرک سیاسی گسترده در سطح بین‌المللی و منطقه زده و گذشته از آن برای پیشگیری از بحرانهایی تازه، به عملیات نظامی پرداخته است. ترکیه همچنین کوشیده است از گزینه‌های تحریم و فشار اقتصادی در مورد کردستان عراق بهره گیرد. ترکیه تهدید کرده بود که اگر فعالیت گروه پ.ک.ک در شمال عراق که هم‌مرز ترکیه است متوقف نشود ترکیه به خاک عراق یورش خواهد برد تا نیروها و پایگاه‌های حزب کارگران کردستان را هدف قرار دهد و سرانجام نیز ناگزیر شد این تهدید را با وجود اعتراض‌های بین‌المللی عملی کند.

باید دید چه پیوندهای بازرگانی و اقتصادی میان ترکیه و عراق وجود دارد که ترکیه می‌کوشد بر پایه آنها دولت عراق را زیر فشار بگذارد تا فعالیت گروه کارگران کردستان را مهار کند.

«ترکیه بعد از سوریه بزرگترین تأمین‌کننده مایحتاج عراق است و با داشتن بیش از ۲/۵ میلیارد دلار صادرات به عراق یکی از بزرگترین شرکای تجاری عراق به‌شمار می‌رود. اقتصاد کردستان نیز به میزان قابل توجهی به

○ با اشغال عراق و بحرانهایی که پس از آن در عراق پیش آمد، مسئله کردهای ترکیه بسیار حساس شد چرا که آنها با اثرپذیری از عملکرد گروه پ.ک.ک عراق، سر به نافرمانی و آشوب برداشته‌اند و امنیت بخش‌های کردنشین ترکیه و مرزهای این کشور با عراق سخت به خطر افتاده است. ترکیه فعالیت گروه پ.ک.ک را مایه ناامنی مرزهای خود می‌داند و در پی حملات خونین گروه پ.ک.ک، دست به تحرک سیاسی گسترده در سطح بین‌المللی و منطقه زده و گذشته از آن برای پیشگیری از بحرانهایی تازه، به عملیات نظامی پرداخته است.

مسئله دیگر، وجود اسرائیل در خاورمیانه است. از آنجا که آمریکا برای پشتیبانی از اسرائیل تعهدی تاریخی دارد، وجود اسرائیل در خاورمیانه و امنیت آن در کنار دیگر عوامل بویژه نفت می تواند اهمیت این منطقه را برای ایالات متحده افزایش دهد. رویدادهای ۱۱ سپتامبر زمینه حضور گسترده و نفوذ همه جانبه را برای آمریکا فراهم ساخت و بسیاری از صاحب نظران بر آنند که منافع اسرائیل نیز نقشی برجسته در حمله آمریکا به عراق داشته است، بویژه آنکه صدام حسین در روزهای پایان کار خود اسرائیل را هر چند در حد زبانی تهدید کرده بود.

این تهدیدها هر چند در حد زبانی بود اما تا اندازه ای توانسته بود دیوارهای امنیتی اسرائیل را تحریک کند و فضایی از ترس در میان یهودیان پدید آورد. «اشغال عراق مقامات اسرائیل را بسیار خوشحال و هیجان زده ساخت. البته خوشحالی در همین حد باقی نماند؛ آنها اعلام کردند که اسرائیل خواهان این است که تغییرات

○ دولتمردان ترکیه نمی خواهند خود را در بحرانی ژرفتر از بحران کنونی که با کردها دارند گرفتار کنند که راهی برای بیرون رفتن از آن نباشد. به همین دلیل به نظر می رسد که دولت آنکارا هم برای تأمین امنیت خود و هم اینکه از شور و هیجان داخلی بکاهد و رضایت افکار عمومی را جلب کند، سیاستهایی در پیش خواهد گرفت که زیان آن کمتر باشد و اتحادیه اروپا را هم نگران نسازد.

آنچه در راستای بحث امنیتی ترکیه قرار می گیرد و ترکیه را بسیار نگران می سازد، نشانه هایی از همکاری آمریکا با گروه پ.ک.ک. است.

شدید امنیتی، با قبول ریسک های امنیتی، طرح های در دست اجرای خود را با عزم و اراده پی گیری می کنند. اگر ترکها ادامه فعالیت را نپذیرند مطمئناً عراق با مشکلات عدیده ای روبرو خواهد شد.»^۳

به هر رو دولتمردان ترکیه نمی خواهند خود را در بحرانی ژرفتر از بحران کنونی که با کردها دارند گرفتار کنند که راهی برای بیرون رفتن از آن نباشد. به همین دلیل به نظر می رسد که دولت آنکارا هم برای تأمین امنیت خود و هم اینکه از شور و هیجان داخلی بکاهد و رضایت افکار عمومی را جلب کند، سیاستهایی در پیش خواهد گرفت که زیان آن کمتر باشد و اتحادیه اروپا را هم نگران نسازد.

آنچه در راستای بحث امنیتی ترکیه قرار می گیرد و ترکیه را بسیار نگران می سازد، نشانه هایی از همکاری آمریکا با گروه پ.ک.ک. است.

اشغال عراق آثار ژرفی بر منطقه خلیج فارس و همچنین خاورمیانه داشته است. این اقدام زمینه حضور گسترده آمریکا در منطقه را فراهم آورده و آمریکا نیز به ماندن دراز مدت خود در اینجا می اندیشد. خاورمیانه از چند جهت برای دولت آمریکا اهمیت دارد:

الف) خاورمیانه به منزله منبع انرژی (نفت و گاز).
ب) وجود اسرائیل و تعهد آمریکا به تأمین امنیت آن.
پ) خاورمیانه به منزله تازه ترین خاستگاه مسائل امنیتی پس از ۱۱ سپتامبر.

در مورد اهمیت خاورمیانه بویژه از جهت منابع نفتی و تأثیر آن در حمله آمریکا به عراق می توان گفت که خاورمیانه بیش از ۶۵ درصد از منابع شناخته شده نفت جهان را دربر گرفته است و عراق با برخوردی از ۱۱ درصد آن و تولید ۷ میلیون بشکه در روز با کمتر از ۲۵ میلیون نفر جمعیت از نظر ذخایر نفتی مقام دوم را دارد؛ این نکته ای است که بی گمان در حمله ایالات متحده به عراق بی تأثیر نبوده است. آمریکا با ورود به عراق از یک سو نیازهای خود به انرژی را به سادگی تأمین می کند و از سوی دیگر در برابر آبک می ایستد. آمریکا با قدرت و نفوذی که در عراق به دست آورده می تواند با تولید نفت حتی بیشتر از نیاز خود آبک را با چالش روبرو سازد.

○ اشغال افغانستان و عراق و فروپاشی رژیم صدام حسین، مایه دگرگونیهای ژرف در خاورمیانه شده و چهره تازه‌ای به منطقه بخشیده است. نفوذ آمریکا در عراق و سیاستهایی که در این کشور اعمال می‌کند موجب نگرانی کشورهای منطقه از جمله همسایگان عراق یعنی ایران، سوریه و ترکیه شده است. تأثیر این دگرگونیها بر امنیت ترکیه و بر رابطه ترکیه و آمریکا آشکار است.

به اجرا در آورند و این بار امنیت آمریکا با چهره‌ای دیگر مطرح می‌شود و دشمن تازه، تروریسم بود که ریشه آنرا در بنیادگرایی در خاورمیانه و سرزمینهای اسلامی-عربی می‌جستند.

اشغال افغانستان و عراق و فروپاشی رژیم صدام حسین، مایه دگرگونیهای ژرف در خاورمیانه شده و چهره تازه‌ای به منطقه بخشیده است. نفوذ آمریکا در عراق و سیاستهایی که در این کشور اعمال می‌کند موجب نگرانی کشورهای منطقه از جمله همسایگان عراق یعنی ایران، سوریه و ترکیه شده است. تأثیر این دگرگونیها بر امنیت ترکیه و بر رابطه ترکیه و آمریکا آشکار است.

ترکیه که بعنوان یکی از اعضای ناتو در منطقه، مجری سیاستهای غرب بویژه آمریکا شناخته شده است همواره کوشیده است سیاستهای خود را به گونه‌ای تنظیم کند که با منافع غرب تضاد نداشته باشد؛ ولی رفتارهای دولت آمریکا در عراق و پشتیبانی آن دولت از کردهای شمال عراق فضایی از بی‌اعتمادی و نگرانی در میان دولتمردان و شهروندان ترکیه نسبت به آمریکا پدید آورده است.

سیاست آمریکاییها پس از آنکه نتوانستند اوضاع عراق را سر و سامان دهند، بر پایه ایجاد تنش میان اقوام عراقی و کشاندن دامنه بحران به کشورهای منطقه قرار

منحصر به عراق نباشد و خواهان اجرای نظریه (دومینو) با همکاری کاخ سفید می‌باشد. خوشحالی اسرائیل بیشتر از این جهت بود که اسرائیل را از دست دولت مقتدری چون عراق خلاص کرد.^۴

عامل دیگر، نگاه امنیتی به خاورمیانه پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر بوده است.

در نخستین ساعتها پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر، دولت آمریکا اعلام کرد که آن حمله تروریستی از سوی سازمان القاعده صورت گرفته و دست‌اندرکاران آنهم همگی عرب بوده‌اند. نقش القاعده و طالبان در این رویدادها، فرصتی را که بوش مدتها در پی آن بود فراهم آورد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا برای حفظ موقعیت خود در جهان پس از جنگ سرد و اینکه بتواند از يك سو بر مشکلات و ناکامیهای داخلی سرپوش بگذارد و از سوی دیگر کشورهای را که در دوران جنگ سرد به علت ترس از کمونیسم در اردوگاه غرب گرد آمده بودند همچنان زیر چتر نفوذ خود نگهدارد، به دنبال دشمنی تازه می‌گشت، زیرا تنها به بهانه وجود يك دشمن نیرومند و مشترک می‌توانست سیاستهای خود را در جهان پی گیرد. بدین‌سان، پس از ۱۱ سپتامبر يك سناریوی طولانی برای خاورمیانه نوشته شد. این منطقه از هر لحاظ آمادگی آن را داشت که تبدیل به میدان بازی شود. در این زمینه، وجود طالبان در افغانستان اهمیت داشت. این گروه گرچه به دست خود آمریکاییها و با همکاری عربستان و پاکستان برای رویارویی با کمونیستها قدرت گرفته بودند، ولی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن خطر کمونیست‌ها نه تنها دیگر نیازی به حضورشان نبود، بلکه به علت تندروها و خودسریهانشان می‌بایست از میان برداشته می‌شدند. از این رو افغانستان مورد حمله قرار گرفت. پس از افغانستان نوبت به عراق رسید، زیرا گذشته از ویژگیهایی که عراق داشت و بیشتر به آنها اشاره شد، از ۱۹۹۱، صدام حسین دیگر مهره کارایی برای برنامه‌های آمریکا به‌شمار نمی‌رفت و در نبود رژیم او سیاستها بهتر می‌توانست اجرا شود. به هر حال رویدادهای ۱۱ سپتامبر فرصتی بود برای سیاستمداران تندرو چون بوش تا سیاستهای رادیکال خود را در جهان

دامنه‌ار تباط با اسرائیل یا افزایش پیوندها و همکاری با کشورهای مسلمان منطقه. آمریکاییها کوشیدند در راه به قدرت رسیدن اسلام گراها در ترکیه سنگ اندازی کنند، زیرا با توجه به اوضاع ناآرام منطقه و مشکلاتی که آمریکاییها در عراق با آن دست به گریبانند، پدید آمدن يك دشواری دیگر برای آنان و يك برگ برنده دیگر برای گروههای منطقه‌ای مخالف آمریکا، می‌تواند سیاستهای ایالات متحده در منطقه را با چالشهای بزرگتر روبه‌رو کند. از سوی دیگر، آمریکاییها آگاهند که نباید ترکیه را زیر فشار سنگین گذاشت زیرا در ترکیه مخالفت با سیاستهای آمریکا چشمگیر است و هر روز هم بر شمار مخالفان افزوده می‌شود. از مهمترین عوامل اثرگذار بر روابط آمریکا و ترکیه، جنبش کردها و مسئله تجزیه عراق است که ترکیه سخت با آن مخالف است.

«تجزیه طلبی کردها در عراق به طور طبیعی ترکیه را نگران می‌کند، زیرا بر سرنوشت کردهای ترکیه تأثیر می‌گذارد. آمریکا بر مبنای سیاستهای نفوذی اسرائیل در منطقه کردستان عراق طرح تجزیه این کشور را ریخته است. چون اسرائیل در شمال عراق زمینه استقلال کردستان را فراهم کرده تا با اعمال سیاستهای خود به تخریب ایران و سوریه بپردازد».^۶

ترکیه برای رهایی از این بحران به همکاری با کشورهای منطقه بویژه کشورهای که با مسئله کردها درگیرند، مانند ایران و سوریه رو کرده است؛ گرایشی که برای اسرائیل و آمریکا چندان خوشایند نیست.

ترکیه نسبت به سیاستهای آمریکا در قبال گروه پ.ک.ک. نگران است و احساس می‌کند که آمریکا بعنوان کشوری که قدرت را در عراق به دست دارد، کاری در جهت جلوگیری از فعالیت کردهای شمال عراق بر ضد ترکیه انجام نمی‌دهد و حتی از آنها پشتیبانی هم می‌کند. این رفتار دولت آمریکا و بی‌توجهی بوش به ترکیه حتی مایه اعتراض برخی از صاحب نظران آمریکایی شده است. برای نمونه، «ریچارد هالبروک» سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد به این بی‌توجهی اعتراض و اعلام کرده بود که آمریکا از ترکیه که مهره حساس و مهم این کشور در خاورمیانه است غفلت کرده است.^۷

○ ترکیه نسبت به سیاستهای آمریکا در قبال گروه پ.ک.ک. نگران است و احساس می‌کند که آمریکا بعنوان کشوری که قدرت را در عراق به دست دارد، کاری در جهت جلوگیری از فعالیت کردهای شمال عراق بر ضد ترکیه انجام نمی‌دهد و حتی از آنها پشتیبانی هم می‌کند. این رفتار دولت آمریکا و بی‌توجهی بوش به ترکیه حتی مایه اعتراض برخی از صاحب نظران آمریکایی شده است.

گرفته است تا با تکیه به این آشوبها به هدفهای خود در منطقه و عراق برسد. بدین سان بحث تجزیه عراق و برپا شدن يك کشور کرد در شمال عراق را پیش کشیدند و این زنگ خطری برای ترکیه بود، چرا که ترکیه با داشتن گروههای کرد در بخشهای جنوبی خاک خود و اینکه مشکلاتی با آنها دارد، از این می‌ترسد که اندیشه تشکیل کشور مستقل کرد در استانهای جنوبی آن کشور نیز گسترش یابد و امنیت و یکپارچگی سرزمینی اش به خطر افتد «در حالی که آمریکا قبل از حمله به عراق ترکیه را مطمئن ساخته بود که از تشکیل يك دولت کرد مستقل در شمال عراق حمایت نکند».^۵ در اینجا این پرسش پیش می‌آید که با توجه به اهمیتی که ترکیه برای آمریکا و ناتو در خاورمیانه دارد، چه عامل یا عواملی آمریکاییها را واداشته است سیاستی در پیش بگیرند که منافع کشور همیمانان را به خطر اندازد.

با دگرگونیهایی که در اوضاع سیاسی ترکیه پدید آمده است می‌توان به علت تغییر سیاست آمریکا پی برد. پس از پیروزی حزب اسلامگرای اعتدال و توسعه در ترکیه، به خوبی دیده می‌شود که رویکرد غربیها به آن کشور نیز دستخوش دگرگونی شده است. غربیها از آن نگرانند که دولت ترکیه از این پس سیاستهایی در پیش گیرد که با سیاستهای آنها همخوانی نداشته باشد، مانند کاهش

نومحافظه کاران در کاخ سفید در قبال ترکیه پس از اشغال عراق و بی‌توجهی آنان به خواسته‌های آنکارا مایه نگرانی سیاستمداران ترکیه شده و آنان را بر آن داشته تا علت این بی‌مهری را دریابند و بار دیگر جایگاه ترکیه را به غربیها گوشزد کنند و خدمات خود را به یادشان آورند. در این راستا برخی از نظریه پردازان ترک که گرایش بسیار به غرب دارند، سیاستمداران ترکیه را در این زمینه مقصّر می‌شناسند. آنان معتقدند که از يك سو با روابط نزدیکی که ترکیه با برخی کشورهای منطقه که آمریکا از آنها دلخوش نیست (ایران و سوریه) برای حل و فصل مسئله عراق و رسیدن به دیگر هدفهای اقتصادی و سیاسی برقرار کرده است و از سوی دیگر با روی کار آمدن اسلام‌گراها و آینده‌ای که برای ترکیه ترسیم می‌کنند، موجبات آزردهی خاطر دوستان غربی فراهم آمده است.

اما به نظر می‌رسد فشارهایی که از سوی اسرائیل و یهودیان در داخل آمریکا بر سیاستمداران آمریکایی وارد می‌شود، در تغییر نگرش ایالات متحده به ترکیه مؤثر بوده است.

اسرائیلی‌ها در کردستان عراق هدفهایی دارند و می‌خواهند با نفوذ در این منطقه، به ایران، سوریه و ترکیه که هر يك در بخشهای هم مرز با عراق دارای اقلیت کرد هستند فشار آورند و چون مسئله کردها سخت با امنیت ترکیه گره خورده است با نفوذ اسرائیل در این منطقه

○ اشغال عراق و بحران پس از آن این پرسش را برای دولتمردان ترکیه پیش آورده است که با توجه به حضور مستقیم آمریکا در منطقه و در میان نبودن اتحاد جماهیر شوروی بعنوان رقیب سرسخت آمریکا و جهان غرب، آیا ترکیه می‌تواند همان جایگاه و اهمیت پیشین را در نزد غرب و بویژه آمریکا داشته باشد.

عامل دیگر، مسئله قتل عام ارمنیها در جریان جنگ جهانی یکم در ترکیه است که آمریکاییها آنرا بار دیگر به گونه‌ای پررنگ تر مطرح کرده‌اند. البته به نظر می‌رسد که ناکامی آمریکا در جلوگیری از به قدرت رسیدن اسلام‌گراها موجب مطرح شدن دوباره این مسئله باشد و آنچه بیشتر خشم ترکها را برانگیخته، پیگیری موضوع از سوی کنگره آمریکا و گناهکار شمردن دولت ترکیه در کشتار ارمنیها در دوران جنگ جهانی یکم است.

ترکیه در مورد مسئله کردها و بویژه حزب کارگران کرد در خواستهایی از آمریکا دارد:

۱- تسلیم برخی از رهبران حزب کارگران کردها به آنکارا.

۲- تحویل برخی از شخصیت‌های بلندپایه در دستگاه حکومت محلی کردستان عراق که از سوی آنکارا به پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از حزب کارگران کردستان متهم هستند.

۳- مسدود شدن داراییهای حزب کارگران کرد در آمریکا و اروپا.

۴- تحقیق در مورد چگونگی دستیابی وابستگان به حزب کارگران کردها به سلاحهای آمریکایی.

۵- پایان یافتن فعالیت شرکتهایی که در شمال عراق کار می‌کنند و به کردها کمک می‌رسانند.

۶- بسته شدن دفترهای حزب کارگران کرد در شمال عراق و بغداد.

در اصل ترکیه می‌خواهد با این درخواستها نظر آمریکاییها را به خود جلب کند و از آنها بخواهد برای موقعیت و امنیت ترکیه اهمیت بیشتری قائل شوند.

بر سر هم، اشغال عراق و سقوط صدام حسین گذشته از اینکه عراق را دستخوش دگرگونیهای ژرف و گسترده ساخت، پیامدهای ناخوشایندی برای کشورهای منطقه بویژه همسایگان عراق داشته است. اشغال عراق و بحران پس از آن این پرسش را برای دولتمردان ترکیه پیش آورده است که با توجه به حضور مستقیم آمریکا در منطقه و در میان نبودن اتحاد جماهیر شوروی بعنوان رقیب سرسخت آمریکا و جهان غرب، آیا ترکیه می‌تواند همان جایگاه و اهمیت پیشین را در نزد غرب و بویژه آمریکا داشته باشد؟ سیاستهای

مخالفت می‌ورزد.

ترکیه خواستار آن است که آمریکا در قبال مسئله کردها هر سیاستی در پیش می‌گیرد، بر منافع و امنیت ترکیه چشم نبندد و ترکیه را فدای خواسته‌های اسرائیل نکند؛ ولی سیاستهای دولت بوش چیز دیگری برای ترکیه به نمایش می‌گذارد. دولت نومحافظه کار آمریکا در این زمینه دو گزینه پیش رو دارد: طرف اسرائیل را بگیرد، یا همپیمان خود در ناتو را دریابد؛ که به نظر می‌رسد گزینه نخست کفه سنگین تری پیدا می‌کند. برخی از نظریه پردازان و سیاستمداران کهنه کار آمریکایی به سیاستهای دولت بوش در برابر ترکیه و بی توجهی به این کشور انتقاد دارند و از اینکه دولت آمریکا همپیمان با اهمیت خود در ناتو در خاورمیانه را مورد بی‌مهری قرار داده است احساس نگرانی می‌کنند. ترکیه گرچه بر پیوستن به اتحادیه اروپا و پیمودن راه پیشرفت با کمک غرب تأکید می‌کند، ولی می‌داند که داشتن امنیت چیزی بالاتر از این مسائل است و تا امنیت و یکپارچگی کشور حفظ نشود نمی‌توان به پیشرفت و ترقی آن اندیشید.

به هر رو ترکیه می‌کوشد با یادآوری خدماتی که در دوران جنگ سرد و حتی پس از آن به دوستان غربی خود بویژه آمریکا کرده است و نیز اهمیتی که در خاورمیانه دارد و عضویتش در ناتو، دولتهای غربی را متقاعد سازد که برای این کشور ارزش و بهایی بیشتر قائل شوند. این متقاعد کردن می‌تواند از راه تهدید به حمله، یا حمله واقعی به شمال عراق باشد یا از راههای دیگر. در همان حال ترکیه نمی‌خواهد تا آن اندازه تندی کند که دوستان خود را نگران سازد. ترکیه امیدوار است سیاستهای تازه آمریکا در قبال این کشور گذرا و مقطعی باشد و غرب و بویژه آمریکا همچنان به ترکیه بعنوان عضو مهم ناتو در خاورمیانه بنگرند.

بهره سخن

رویدادهای ۱۱ سپتامبر نظام بین الملل را دگرگون کرد و روندهای تازه‌ای را پس از جنگ سرد رقم زد. این رویدادها بیشترین تأثیر را بر خاورمیانه داشت؛ گویی که این رویدادها تنها برای خاورمیانه پیش آمده

باشد. موضع گیری شتابزده کاخ سفید ساعاتی پس از این رویدادها و ربط دادن آن به القاعده و طالبان و آغاز مرحله تازه‌ای از سیاستهای آمریکا در خاورمیانه، که با اشغال افغانستان سنگ بنای آن گذاشته شد خود گواه درستی این نکته است. افغانستان مورد حمله قرار گرفت و دولت آن سرنگون شد. سپس نوبت به عراق رسید. صدام حسین از ۱۹۹۱ نشان داده بود دیگر مهره کار آبی برای سیاستهای آمریکا در خاورمیانه نیست و وجودش ضرورتی ندارد؛ گذشته از آن، مخالف آمریکا شناخته شده بود و پیش از آن بارها دست به کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی زده بود. در سال ۲۰۰۳ رژیم صدام به بهانه داشتن جنگ افزارهای هسته‌ای هدف قرار گرفت و کمتر از ۲۰ روز سرنگون شد؛ و بدین گونه بحرانهای تازه خاورمیانه آغاز شد.

دولت بوش و نومحافظه کاران بر سر هم سه هدف را در خاورمیانه دنبال می‌کنند: نخست، نهادینه کردن

○ ترکیه اگر نگران امنیت خود است باید بداند که تنها در پرتو همکاری با کشورهای منطقه و کشورهایی که از تحولات عراق اثر می‌پذیرند می‌تواند سنگینی اثر بحرانها بر خود را کاهش دهد، چه آمریکاییها و غربیها از این همکاری خرسند شوند، چه ناخرسند. در پیش گرفتن سیاستهای متضاد و تنها در نظر گرفتن منافع خود و سکوت پیشه کردن در مواردی که منافع دیگران به خطر می‌افتد، به سود ترکیه نخواهد بود. امنیت خاورمیانه تنها با حسن نیت و تلاش خود کشورهای منطقه به دست می‌آید و کالایی نیست که ترکیه بخواهد آنرا از آمریکا یا اروپا وارد کند یا دستور تولید آن را بگیرد.

آمریکایکی از دلایل حضور خود در عراق را مبارزه با تروریسم و ریشه کن کردن آن معرفی می کند، اما در عمل دیده می شود که در سایه این حضور، عراق تبدیل به کارخانه تولید تروریسم شده و امنیت سراسر منطقه را به خطر انداخته است. ترکیه اگر نگران امنیت خود است باید بداند که تنها در پرتو همکاری با کشورهای منطقه و کشورهایی که از تحولات عراق اثر می پذیرند می تواند سنگینی اثر بحرانها بر خود را کاهش دهد، چه آمریکاییها و غربیها از این همکاری خرسند شوند، چه ناخرسند. در پیش گرفتن سیاستهای متضاد و تنها در نظر گرفتن منافع خود و سکوت پیشه کردن در مواردی که منافع دیگران به خطر می افتد، به سود ترکیه نخواهد بود. امنیت خاورمیانه تنها با حسن نیت و تلاش خود کشورهای منطقه به دست می آید و کالایی نیست که ترکیه بخواهد آنرا از آمریکا یا اروپا وارد کند یا دستور تولید آن را بگیرد.

منابع

۱. ساجدی، امیر، «خاورمیانه بزرگ، فرصت یا چالش»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر ۱۳۸۶، ص ۳۸
۲. شیخ عطار، علی رضا، کردها، قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۲۰
۳. «اهرمهای ترکیه در برابر عراق، گزینه نظامی یا فشار اقتصادی»، خبرگزاری مهر، ۳ آبان ۱۳۸۶.
۴. فراهانی، احمد، کتاب خاورمیانه، ویژه حضور اسرائیل در مناطق همجوار ایران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۵. شیخ عطار، پیشین، ص ۳۱۸
۶. خبرگزاری مهر ۸۶/۲/۱.
۷. خبرگزاری مهر ۸۶/۵/۱۶
۸. عراق پس از سقوط بغداد، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، پاییز ۱۳۸۴

حضور آمریکا در خاورمیانه و حفظ جایگاه این کشور در منطقه به شیوه های گوناگون؛ دوم، چنگ انداختن بر نفت منطقه با هدف تسلط بر بازار نفت و خارج کردن کنترل آن از دست اُپک؛ سوم، پیاده کردن طرح خاورمیانه ای تازه در راستای هدفهای خود. خاورمیانه بعنوان مهمترین منبع انرژی و با داشتن موقعیت حساس استراتژیک و همچنین وجود اسرائیل در آن و تهدید بی چون و چرای آمریکا به پاسداری از این کشور، اهمیتی تاریخی برای آمریکاییها دارد. رویدادهای ۱۱ سپتامبر، بُعد امنیتی نگرش آمریکا به خاورمیانه را افزایش داده و این منطقه را به صورت کانون بحرانهای پی در پی در آورده است و در این میان افغانستان و عراق بیشترین اثرها را از رویدادهای ۱۱ سپتامبر پذیرفته اند؛ هر چند اوضاع عراق بحرانی تر به نظر می رسد. عراق که در ۲۰۰۳ مورد تهاجم قرار گرفت با گذشت پنج سال از اشغال، هنوز اوضاع بسیار آشفته ای دارد. اشغال نظامی عراق نه تنها امنیت و آرامش را از عراقیها گرفت، بلکه امنیت و منافع کشورهای منطقه بویژه همسایگان عراق را به خطر انداخته است. ایران، ترکیه و سوریه بعنوان کشورهای همسایه عراق از این اوضاع آشفته بی نصیب نبوده اند و نیستند.

بی گمان بحران عراق و آینده آن کشور نقش مهمی در اوضاع سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه بویژه ترکیه دارد. تحولات عراق و مسائل بی دربی آن کشور پس از فروپاشی رژیم صدام حسین، ترکیه را در گردابی ژرف فرو برده است که رهایی از آن بسیار دشوار می نماید و تا اندازه زیادی بستگی به شرایط و اوضاع در عراق دارد. آینده عراق و دولت آن نیز بستگی به چندو چون امنیت در این کشور دارد. تا هنگامی که آرامش به آن کشور باز نگردد، نباید انتظار داشت که دولتهای ضعیف بتوانند کاری از پیش ببرند و از دید برخی از کارشناسان این امنیت با خروج اشغالگران از خاک عراق زودتر و بهتر به دست می آید.